



تاکتیک‌های سیاست خارجی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران*

سید حسین موسوی کردمیری، ابراهیم متقی، محمدصادق جلالی راد^۳

۳۵

دوره ۹، شماره ۴، پیاپی ۳۵
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۲/۰۴

صص: ۱۱۱-۷۷

شابا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



چکیده

مقاله حاضر با تمرکز بر مفهوم تاکتیک‌های سیاست خارجی، به بررسی تاکتیک‌های سیاست خارجی رژیم بعث عراق در طول جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. اهمیت و نوآوری پژوهش از آن جهت است که مطالعه‌ای پیرامون سطح تاکتیکی سیاست خارجی رژیم بعث عراق در جنگ علیه ایران و نحوه به کارگیری ابزارهای آن صورت نگرفته است. سؤال پژوهش عبارت است از: تاکتیک‌های سیاست خارجی رژیم بعث عراق در دوران جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران کدامند و چگونه مورد تحلیل قرار می‌گیرند؟ این پژوهش با رویکرد تحلیلی و اکتشافی، از روش ترکیبی استفاده کرده است؛ نخست از طریق مصاحبه، به احصاء سازی تاکتیک‌های سیاست خارجی دست یافته و سپس با روش کمی، فراوانی تعداد ابزارها و تاکتیک‌های استفاده شده توسط رژیم بعث عراق در قبال جمهوری اسلامی ایران را استخراج کرده و نهایتاً به تحلیل عمیق داده‌های بدست آمده پرداخته است. نتیجه کلی نشان می‌دهد سیاست خارجی رژیم بعث عراق از منطق مدیریت کنش، تلاش برای فرسایش تدریجی و استفاده ترکیبی از توانمندی‌های مختلف پیروی کرده است.

کلیدواژه‌ها: تاکتیک، ابزار، سیاست خارجی، رژیم بعث عراق، جنگ تحمیلی.

* مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «تاکتیک‌های مقایسه‌ای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رژیم بعث

عراق در دوران دفاع مقدس» با حمایت پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی است

۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

emottaghi@ut.ac.ir

۳. دکتری سیاستگذاری عمومی، پژوهشگر مستقل، تهران، ایران

مقدمه

سیاست خارجی مهم‌ترین وجه زندگی سیاسی ملت‌ها و اصلی‌ترین کارکرد کشورها در روابط بین‌الملل به شمار می‌رود؛ چرا که حیات و بقا ملت‌ها و دولت‌ها به سیاست خارجی بستگی دارد. این مهم یکی از ابعاد و موضوعات محوری و اصلی روابط بین‌الملل است. از این‌رو تلاش برای درک و فهم ماهیت و رفتار سیاست خارجی کشورها و سایر بازیگران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۱۹۴-۱۹۳). همان‌طور که آران و آلدن مطرح می‌کنند، تحلیل سیاست خارجی به مطالعه اعمال و رفتارهای بازیگران متفاوت به‌ویژه دولت‌ها می‌پردازد که محتوای آن ترکیبی از دیپلماسی، اطلاعات محرمانه، مذاکرات و همکاری در حوزه‌های مختلف است. در چنین بستری، واکاوی تصمیم‌گیری‌ها، افراد تصمیم‌ساز و فرآیندها و شرایطی که بر سیاست خارجی و نتایج آن تأثیر می‌گذارند، حائز اهمیت است (آران و آلدن، ۱۳۹۳: ۹).

تجاوز رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، به جنگ تحمیلی^۳ طولانی مدتی تبدیل شده بود که خسارات فراوانی را در زمینه‌های مختلف انسانی، زیرساختی، اقتصادی، سیاسی و تمامی ابعاد زیستی به بار آورد و با گذشت ۳۷ سال از پایان جنگ، همچنان پیامدهای تأثیرگذار آن برای هر دو کشور ایران و عراق دیده می‌شود. پرداختن به مسائل مرتبط و پیرامونی این جنگ، جدای از ابعاد مختلف نظامی، امنیتی و داخلی برای طرفین درگیری، از منظر سیاست خارجی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رژیم بعث عراق به‌عنوان آغازگر این تهاجم همه‌جانبه و خلاف موازین بین‌المللی، اهداف و راهبردهای مختلفی را در حوزه سیاست خارجی ترسیم کرده بود که مشخصاً مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی، نقض قرارداد الجزایر و رقابت منطقه‌ای برای دستیابی به اهداف بزرگ‌تری بود که تحت تأثیر ادارک رهبران این رژیم، در شرایطی شکل می‌گرفت که تنها ۱۹ ماه از آغاز انقلاب اسلامی ایران می‌گذشت و مسائل داخلی ایران نیز با چالش‌های بنیادین مراحل ابتدایی نظام سیاسی روبرو بود. رژیم بعث جهت تحقق راهبردهای کلان خود در حوزه سیاست خارجی به اتخاذ تاکتیک‌هایی دست

1 Aran & Alden
2 Iraq's Baathist regime
3 Imposed war

زد که مسیر رسیدن به اهداف کلان را هموارتر می‌کرد. اهداف سیاسی کوتاه مدتی که با در کنار هم قرار گرفتن و تغییر و تداوم، می‌توانست راهبرد کلان را امکان‌پذیر سازد.

هدف این پژوهش بررسی و تجزیه و تحلیل تاکتیک‌های سیاست خارجی رژیم بعث عراق در طول جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ است تا از این طریق عوامل مؤثر بر ساختار تصمیم‌گیری و منابع و مسائل مرتبط بر سیاست خارجی عراق را شناسایی کند. چرا که با وجود پژوهش‌های فراوانی که در حوزه‌های مختلف پیرامون جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران به نگارش درآمده‌اند، اما بررسی تاکتیک‌های سیاست خارجی این رژیم علیه جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ، از جمله مسائلی بود که به آن پرداخته نشده است. از این جهت، در پژوهش حاضر با تمرکز بر مفهوم تاکتیک‌های سیاست خارجی، عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر چرایی و چگونگی آن با روش مصاحبه و مطالعات میدانی شناسایی خواهد کرد و سپس با تمرکز بر رویکرد سیاست خارجی رژیم بعث عراق، با روش کمی و کاملاً روزشما و با مراجعه به منابع مشخص که در بخش‌های بعدی به آن‌ها پرداخته خواهد شد، یافته‌ها و نتایج ارائه می‌شود. سؤال پژوهش اینگونه طراحی شده است که تاکتیک‌های سیاست خارجی رژیم بعث عراق در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله علیه جمهوری اسلامی ایران کدامند و چگونه مورد تحلیل قرار می‌گیرند؟ با توجه به آنکه تاکتیک‌های سیاست خارجی رژیم بعث عراق در دوران جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران تا این لحظه به شکل مستقل مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و اکثر آثار موجود در زمینه‌های دفاعی و نظامی هستند، پژوهش حاضر را می‌توان اکتشافی و تبیینی در نظر گرفت که به دلیل ماهیت اکتشافی خود، فرض ندارد.

۱- پیشینه پژوهش

جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، با توجه به تأثیرگذاری بالایی که بر ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و... داشته، باعث توجه پژوهشگران مختلفی به خود شده است که از رویکردهای گوناگون فکری و تخصصی به آن پرداخته‌اند. در این قسمت تلاش

می‌شود تا برخی از آثاری که در حوزه‌های نظری یا موضوعی در ارتباط با پژوهش حاضر است مورد بررسی و واکاوی قرار بگیرد.

ریدل^۱ (۲۰۲۱)، در پژوهش «جنگ سرد یا نه (بدون جنگ سرد)؛ تاکتیک‌های سیاست خارجی روسیه در قبال ایالات متحده و غرب بدون تغییر باقی می‌ماند»، به این امر اهتمام ورزیده است که باوجود انحلال اتحاد جماهیر شوروی و سقوط کمونیسم، سیاست خارجی کنونی فدراسیون روسیه در قبال ایالات متحده آمریکا، در همان چارچوب قبلی حفظ شده است و تغییر ساختار سیاسی در مسکو، سیاست خارجی خصمانه و تهاجمی روسیه را کاهش نداده است. این پژوهش با عملیاتی کردن اصلی‌ترین تاکتیک‌های سیاست خارجی روسیه در قبال ایالات متحده از جمله نفوذ در اروپای شرقی، فاصله گرفتن از نهادهای غربی مانند ناتو و اتحادیه اروپا، مبارزه با آنچه که ایالات متحده آن را تهدیدی برای حاکمیت خود می‌داند را به بحث می‌گذارد.

استار و کرنل^۲ (۲۰۱۴)، در پژوهش «تاکتیک‌ها و ابزارهای استراتژی کلان پوتین» اینگونه شرح می‌دهند که احیای وضعیت و جایگاه روسیه به‌عنوان قدرت بزرگ در عرصه بین‌المللی امری اساسی از طرف پوتین می‌باشد که اهمیت آن حتی بالاتر از توسعه داخلی در نظر گرفته می‌شود. از این جهت دولت روسیه طیف گسترده‌ای از تاکتیک‌ها و ابزارهایی را در تلاش‌های خود برای بازگرداندن حوزه نفوذ بر فضای شوروی سابق در عرصه سیاست خارجی به کار گرفته است که عبارتند از؛ ابزارهای دیپلماتیک سستی و ترکیب آنها با تجارت و سرمایه‌گذاری، نقش رسانه‌های روسی در کنترل و مدیریت دستگاه‌های اطلاعاتی، براندازی داخلی از طریق حمایت از سیاستمداران مخالف، گروه‌های نفوذ و نهادهای دولتی، حمایت از نیروهای مخالف، جامعه مدنی و افراط‌گرایان، خرابکاری و تروریسم، جنگ اقتصادی در مواجهه با تمایلات گریز از مرکز در رابطه با کنترل روسیه و اخلال در تأمین انرژی برای همسایگان، تنظیم و مدیریت دسترسی به بازارهای روسیه برای تولیدات کشورهای هدف و در نهایت ایجاد و دخالت در اختلافات و درگیری‌های طولانی مدت و تنش‌های قومی.

ناف^۳ (۱۹۸۵)، در کتاب «امنیت خلیج فارس و جنگ ایران و عراق»، در هفت فصل جداگانه مطالب مهمی را در رابطه با جنگ رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهد. کتاب

1 Riddle
2 Starr & Cornell
3 Noff

فوق با وجود آنکه در طول جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران به نگرارش درآمده است که احتمال بروز خطا و یا پیش‌بینی‌های نادرست در آن وجود دارد، اما با بررسی دقیق تحولات جاری آن زمان و نقش بازیگران مختلف، فهم دقیقی از مفاهیم را ارائه کرده است.

کارپنتر و فانالی^۱ (۲۰۰۰)، در پژوهش «شخص بدی که منجر به درگیری پرهزینه می‌شود: صدام حسین و جنگ ایران و عراق ۱۹۸۸-۱۹۸۰»، مهم‌ترین انگیزه‌های صدام از حمله به ایران را شرح می‌دهند و بر این اعتقاد هستند که هرچند صدام انگیزه اصلی خود از حمله به ایران را دفاع از تجاوز ایران به عراق نامید، اما با در نظر گرفتن فرصت و به شکل جاه‌طلبانه تلاش نمود از آشفتنگی شرایط در ایران برای تأمین امنیت مناطق مجاور عراق استفاده کند. اشغال مناطق ایرانی نزدیک به عراق در کنار گسترش مرزها می‌توانست مسیر تسلط کامل به آب‌راه اروند رود را فراهم کرده و با جلب حمایت اعراب ایرانی در استان‌های همجوار، در کنار تثبیت قدرت صدام در داخل عراق، به اعتبار بین‌المللی آن در جهان عرب و فراتر از آن بیافزاید. همه این تصمیم‌گیری‌ها با شناخت محیط داخلی عراق و چالش‌های پیش‌روی رژیم بعث و تحولات منطقه‌ای دوران صدام قابل درک خواهد بود.

جنسن و همکاران^۲ (۲۰۰۱)، در پژوهش «استراتژی کلان صدام حسین در جنگ ایران و عراق» بر این باور هستند که ترس صدام از انقلاب اسلامی ایران و صدور آن که می‌توانست بنیان‌های حکومت بعثی عراق را به خطر بیندازد، او را وادار کرد تا علی‌رغم اینکه می‌توانست جنگ را آخرین راه حل انتخاب کند، به‌عنوان اولین و اصلی‌ترین گزینه مورد انتخاب قرار دهد. همچنین در کنار این موضوع، اختلافات تاریخی ایران و عراق در مسئله مرزها، تفاوت‌های فرهنگی عرب و فارس و رقابت در حوزه خلیج فارس را از عوامل دیگری می‌داند که در کنار تحولات انقلابی ایران، تصمیم صدام را برای آغاز جنگ جدی‌تر کرده بود.

روان‌بد و قوام (۱۳۹۴) در پژوهش «تبیین جنگ عراق علیه ایران: تأملی بر نقش علی مبارزه برای شناسایی» تلاش کردند تا درکی تازه از علل جنگ ارائه دهند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بازیگران بین‌المللی به‌ویژه دولت‌ها به دلیل حق شناسایی و کسب منزلت و احترام از سوی دیگران تلاش می‌کنند تا چنین نگرشی، که با عنوان «مبارزه برای شناسایی» شناخته می‌شود، را به اجرا در بیاورند. این مبارزه ممکن است به شکل مسالمت‌آمیز بوده یا حالت خشونت به خود بگیرد که در شکل دوم

1 Carpenter
2 Jensen et al

&

Fanale

خود، شرایط به سمت جنگ پیش خواهد رفت. این پژوهش با طرح تئوری مبارزه برای شناسایی، به شرح و توضیح چرایی و چگونگی تهاجم رژیم بعث عراق به جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. ضمن مرتبط بودن یافته‌های پژوهش‌های بررسی شده با رویکرد کلی پژوهش حاضر، اما هیچ یک از آنها و حتی دیگر آثاری که به آن‌ها پرداخته شده است، مشخصاً به تاکتیک‌های سیاست خارجی رژیم بعث عراق در طول جنگ تحمیلی هشت ساله علیه جمهوری اسلامی ایران نپرداخته‌اند. از این جهت وجه تمایز پژوهش حاضر نه بررسی تحلیلی سیاست خارجی رژیم بعث در طول جنگ، بلکه بررسی تاکتیک‌های اتخاذ شده در حوزه سیاست خارجی این رژیم به شکل روزشمار و کاملاً کمی است تا از این طریق میزان اثرگذاری، تعداد فراوانی و نتایج حاصل از آن را در فرایند سیاسی جنگ مورد بررسی قرار دهد. مسئله و موضوعی که باوجود فراوانی آثار منتشر شده در رابطه با مسائل مرتبط به جنگ، از نگاه پژوهشگران دیگر دور مانده است.

۲- چارچوب مفهومی: تاکتیک‌های سیاست خارجی

در تعریف واژه تاکتیک^۱ فرهنگ‌نامه‌های مختلف تعابیر متفاوت و گاه مشابهی را آورده‌اند. این واژه به معنای رزم‌آزمایی، رزم‌آرایی، تعبیه سپاه، تدبیر جنگ، فن حرکت دادن سربازان و به کار انداختن نیروهای نظامی در جنگ است (عمید، ۱۳۸۴: ۴۰۶)، همچنین تدبیر حرب، فوت و فن جنگ (معین، ۱۳۸۴: ۳۰۸)، راهکار، شگرد و نقشه (پارسایار، ۱۳۸۹: ۸۲۹)، طرح و شیوه (حییم، ۱۳۷۵: ۹۸۵)، متخصص تدابیر جنگی، شخص باتدبیر (آریان‌پورکاشانی، ۱۳۷۲: ۵۶۴۴)، ترفند (آریان‌پورکاشانی، ۱۳۸۶: ۶۹۵)، و یا وسائل ضروری برای انجام یک کار، فن به کار انداختن نیروهای مختلف نظامی (بندرریگی، ۱۳۷۴: ۱۳۳)، از دیگر تعاریف لغوی تاکتیک است. در فرهنگ‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز، آقابخشی و افشاری‌راد بر این باورند که تاکتیک در امور سیاسی به هر گونه برنامه‌ریزی مرحله‌ای اطلاق می‌شود که در مراحل مختلف مبارزه یا برنامه‌ریزی کشوری یا سازمانی، دستیابی به هدف‌ها تعیین شده استراتژیک را نزدیک‌تر سازد. تاکتیک مناسب در قالب یک استراتژی قرار می‌گیرد و مستلزم اطلاع از شرایط ملموس، وضع و نقاط ضعف حریف است (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶: ۵۷۸).

در ادبیات تحلیل سیاست خارجی، مفهوم تاکتیک در سطحی میان استراتژی و رفتار عینی دولت‌ها قرار می‌گیرد و به همین دلیل یکی از مفاهیم کلیدی برای پیوند دادن سطح تصمیم‌گیری با سطح تعامل خارجی محسوب می‌شود. واحد اصلی تحلیل در این حوزه، انتخاب‌های قابل مشاهده تصمیم‌گیران است؛ انتخاب‌هایی که در موقعیت‌های خاص اتخاذ می‌شوند و از طریق آن‌ها می‌توان فرایندهای شناختی، نهادی و محیطی را بازسازی کرد. در این چارچوب، تاکتیک‌ها همان انتخاب‌های عملیاتی‌اند که در سطح اجرا بروز می‌یابند و امکان کدگذاری تجربی رفتار سیاست خارجی را فراهم می‌کنند (Hudson & Day, 2019: 5-9). به بیان دیگر، اگر استراتژی جهت‌گیری کلی باشد، تاکتیک شکل عینی و موقعیت اجرای آن است و به همین دلیل برای تحلیل موردی و مقایسه‌ای اهمیت روش‌شناختی دارد. اما به نظر می‌رسد تمایز تحلیلی میان هدف، استراتژی، ابزار و تاکتیک نخستین‌بار به صورت نظامند در مدل تصمیم‌گیری سیاست خارجی توسط اسنایدر و همکاران صورت‌بندی شد. آنان نشان دادند که سیاست خارجی زنجیره‌ای از انتخاب‌ها است که از سطح اهداف کلان آغاز می‌شود و در سطح اقدامات مشخص پایان می‌یابد. در این چارچوب، تاکتیک‌ها گزینه‌های اجرایی در یک موقعیت خاص هستند که نحوه به کارگیری ابزارها را تعیین می‌کنند، نه خود ابزار را. این تمایز از آن جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد که دو دولت با اهداف و منابع مشابه می‌توانند از طریق تاکتیک‌های متفاوت به نتایج متفاوت برسند (Snyder, Bruck & Sapin, 2003). از منظر تعریف عملیاتی و رفتاری نیز، در صورتی که دیپلماسی را به عنوان تاکتیک کلامی روابط خارجی تعریف کنیم، برای شکل دهی محاسبات طرف مقابل و وادار کردن او به تغییر رفتار مورد استفاده قرار می‌گیرد (Freeman Jr, 7 April 2018). بنابراین، تاکتیک سطحی است که در آن تفاوت‌های رفتاری دولت‌ها قابل مشاهده و تحلیل می‌شود.

در نظریه توماس شلینگ^۱، وی بُعد تعاملی و ادراکی تاکتیک را برجسته می‌کند. او نشان می‌دهد که موفقیت در سیاست خارجی به مدیریت تهدید، اعتبار سیگنال‌ها و کنترل تصاعد بحران وابسته است. تاکتیک‌هایی مانند تهدید محدود، افزایش تدریجی فشار یا ایجاد ابهام کنترل شده، ابزارهایی برای تغییر محاسبات طرف مقابل‌اند، بدون آنکه به جنگ تمام عیار منجر شوند. در این چارچوب، تاکتیک‌ها سازوکارهایی برای مدیریت ادراک هستند و هدف آنها شکل دهی به برداشت طرف مقابل

1 Thomas schelling

از هزینه‌ها و منافع است (Schelling, 1966: 2-5, 70-73). نهایتاً جوزف نای در بحث قدرت هوشمند، تلویحاً نشان می‌دهد که تاکتیک‌های سیاست خارجی در جهان معاصر اغلب به صورت ترکیبی از قدرت سخت و نرم به کار گرفته می‌شوند. در اینجا تاکتیک به معنای نحوه ترکیب ابزارهای اقتناعی و قهری در یک موقعیت خاص است. ترکیبی که همزمان هزینه ایجاد می‌کند و مشروعیت می‌سازد و بدین ترتیب رفتار طرف مقابل را در جهت مطلوب هدایت می‌کند (Nye, 2011). این رویکرد نشان می‌دهد که تاکتیک‌ها محل تلاقی منابع قدرت و مهارت اجرایی هستند. بر اساس مجموعه این رویکردها، می‌توان نتیجه گرفت که تاکتیک‌های سیاست خارجی انتخاب‌های رفتاری، موقعیتی و کوتاه‌مدتی در سطح عملیاتی هستند که از طریق نحوه زمان‌بندی، توالی، شدت و ترکیب ابزارهای سیاست خارجی به اجرا درمی‌آیند و هدف آن‌ها شکل‌دهی به محاسبات بازیگران خارجی در چارچوب استراتژی کلان است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در زمره موضوعات گذشته پژوهی است. از این جهت روش انجام آن تاریخی و به شکل توصیفی می‌باشد. نوع پژوهش نیز کاربردی و توسعه‌ای می‌باشد. کاربردی از آن جهت که می‌تواند مورد توجه دستگاه‌های تصمیم‌گیر و مرتبط قرار گرفته و به‌عنوان درس‌آموخته‌ای از گذشته، در تحولات جاری و آینده پژوهشی در سیاست خارجی و نبردهای احتمالی مورد استفاده قرار بگیرد و توسعه‌ای بودن پژوهش نیز از آن جهت است که با تولید ادبیات تازه پیرامون تاکتیک‌های سیاست خارجی می‌تواند باب جدیدی را در پژوهش‌های نظری آتی باز کند. حوزه زمانی پژوهش از تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ را در بر می‌گیرد که در هشت بازه زمانی یک‌ساله تقسیم شده و در جدول شماره (۱) آمده است. از نظر مکانی نیز معطوف به رژیم بعث عراق می‌باشد و از نظر موضوعی شامل شناسایی و طبقه‌بندی تاکتیک‌های سیاست خارجی رژیم بعث عراق از آغاز تا پایان جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران است. شیوه جمع‌آوری منابع نیز ترکیبی است که هم شامل استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به داده‌های اینترنتی و هم به شکل مصاحبه‌ای می‌باشد. منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب، مقاله، اسناد و به ویژه مجموعه آثار روزشمار جنگ ایران و عراق از انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شامل ۴۸ شماره کتاب

که با احتساب دوجلدی بودن برخی از آنها، شامل ۵۹ جلد و همچنین کتاب ۱۰ جلدی جنگ ایران و عراق در اسناد سازمان ملل متحد و مجموعه تقویم تاریخ دفاع مقدس از مرکز اسناد انقلاب اسلامی و دیگر آثار مرتبط به مسائل سیاست خارجی در جنگ تحمیلی هشت ساله رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران هستند که پس از احصاء سازی تاکتیک‌ها و ابزارها از طریق مصاحبه تخصصی، به شکل کاملاً کمی و تمام روزشمار مورد بررسی قرار گرفتند.

جدول شماره (۱) تقسیم‌بندی سال‌های جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران

دوره زمانی	تاریخ شروع	تاریخ پایان
سال نخست	۳۱ شهریور ۱۳۵۹	۳۰ شهریور ۱۳۶۰
سال دوم	۳۱ شهریور ۱۳۶۰	۳۰ شهریور ۱۳۶۱
سال سوم	۳۱ شهریور ۱۳۶۱	۳۰ شهریور ۱۳۶۲
سال چهارم	۳۱ شهریور ۱۳۶۲	۳۰ شهریور ۱۳۶۳
سال پنجم	۳۱ شهریور ۱۳۶۳	۳۰ شهریور ۱۳۶۴
سال ششم	۳۱ شهریور ۱۳۶۴	۳۰ شهریور ۱۳۶۵
سال هفتم	۳۱ شهریور ۱۳۶۵	۳۰ شهریور ۱۳۶۶
سال هشتم	۳۱ شهریور ۱۳۶۶	۲۹ مرداد ۱۳۶۷

در بخش مصاحبه نیز با مراجعه به متخصصان حوزه موضوعی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، سیاست‌گذاری عمومی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل و دیگر حوزه‌های مطالعاتی پیرامونی، برای احصاء سازی تاکتیک‌های سیاست خارجی مطالب گردآوری شده است. این جامعه آماری شامل افرادی در دسترس و با مدرک دکتری و مراتب علمی مختلف دانشگاهی و پژوهشی که دارای مقالات مرتبط یا کتاب در زمینه سیاست خارجی، سیاست خارجی مقایسه‌ای و سیاست خارجی بازیگران در تحولات و مسائل مرتبط به جنگ بوده‌اند. از این جهت پس از مرحله اولیه بررسی آثار پژوهشگران و اساتید، سعی شد با غربالگری میان تعداد حدود ۴۰ نفر، نهایتاً مجموع نظرات ۱۵ نفر از اساتید را به‌عنوان گزینه‌های نهایی که ارتباط پژوهشی و کاری بیشتری در میان بقیه داشته‌اند و در دسترس بوده انتخاب کرده و از آنها مصاحبه صورت بگیرد. اسامی و مشخصات این افراد در جدول شماره (۲) آمده است.

جدول شماره (۲) اسامی و مشخصات افراد مصاحبه شده

نام و نام خانوادگی	موسسه/سازمان	مرتبه علمی	رشته/گرایش	حوزه تخصصی
سید جلال دهقانی فیروزآبادی	دانشگاه علامه طباطبائی	استاد ممتاز	روابط بین‌الملل	نظریات روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، سیاست خارجی
علی آدمی	دانشگاه علامه طباطبائی	استاد	روابط بین‌الملل	مطالعات جنگ و صلح، اقتصاد سیاسی
حسین دهشیار	دانشگاه علامه طباطبائی	استاد	روابط بین‌الملل	سیاست خارجی، مطالعات آمریکا
محمدرضا دهشیری	وزارت خارجه	استاد	روابط بین‌الملل	سیاست خارجی، روابط بین‌الملل
حسین سلیمی	دانشگاه علامه طباطبائی	استاد	روابط بین‌الملل	تاریخ روابط بین‌الملل، روش پژوهش، نظریات روابط بین‌الملل
رضا سیمبر	دانشگاه گیلان	استاد	روابط بین‌الملل	نظریات روابط بین‌الملل، سیاست خارجی
اصغر کیوان حسینی	دانشگاه علامه طباطبائی	استاد	روابط بین‌الملل	سیاست بین‌الملل، مطالعات آمریکا
ابراهیم متقی	دانشگاه تهران	استاد	علوم سیاسی	سیاست خارجی، روابط بین‌الملل
سید امیر نیاکویی	دانشگاه گیلان	استاد	مسائل ایران	مسائل ایران، سیاست خارجی، مطالعات خاورمیانه
امیرحسین الهامی	پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس	استادیار	امنیت داخلی	امنیت داخلی، سیاست خارجی
سجاد بهرامی مقدم	دانشگاه گیلان	استادیار	روابط بین‌الملل	توسعه سیاسی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل
رزیتا سپهرنیا	دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن	استادیار	خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری	نظریه‌های جامعه‌شناسی
ابوالفضل کاوندی کاتب	دانشگاه محقق اردبیلی	استادیار	جغرافیای سیاسی	جغرافیای سیاسی، حکمرانی، اصول کشورداری
سید محمدرضا موسوی	دانشگاه صنعتی کرمانشاه	استادیار	علوم سیاسی	مسائل ایران، سیاست خارجی

محمدصادق جلالی‌راد	پژوهشگر مستقل	دکتری	سیاستگذاری عمومی	سیاستگذاری عمومی، فرهنگ سیاسی
--------------------	---------------	-------	------------------	-------------------------------

خروجی نهایی تاکتیک‌ها و ابزارهایی که در حوزه سیاست خارجی شناسایی شده‌اند در جدول شماره (۳) قرار گرفته است. این موارد عصاره‌ای از تعداد بیشتری از تاکتیک و ابزارهایی می‌باشد که در ابتدا به آن رسیده بودیم اما در مرحله پایانی مصاحبه‌ها، آنچه حاصل شد که جمع‌بندی نظرات اساتید مختلف را در بر می‌گیرد عبارت است از؛

جدول شماره (۳) نتیجه نهایی احصاء‌سازی تاکتیک‌های سیاست خارجی در فرایند مصاحبه انجام شده

ابزار	تاکتیک
مصاحبه مطبوعاتی و سخنرانی	ارتباطات و رسانه
پمپاژ خبری	
تور رسانه‌ای	
جنگ روانی	
بهره‌گیری از فضای مجازی*	
دوجانبه منطقه‌ای	رایزنی دیپلماتیک
چندجانبه منطقه‌ای	
دوجانبه بین‌المللی	
چندجانبه بین‌المللی	
دیپلماسی پنهان	
دیپلماسی خط دو	
دوجانبه منطقه‌ای	بهره‌گیری از اختلافات کشورها
چندجانبه منطقه‌ای	
دوجانبه بین‌المللی	
چندجانبه بین‌المللی	
سازمان ملل	اقامه دعاوی بین‌المللی
دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی	
دادگاه‌های بین‌المللی	
سازمان‌های حقوق بشری	
حمایت از معارضین	

تقویت احزاب و اپوزیسیون	ایجاد شکنندگی درونی
عملیات خرابکاری	
کمک مالی و نظامی	تعاملات اقتصادی
ایجاد و گسترش روابط اقتصادی با بازیگران	

* لازم به ذکر است که با توجه به موضوع پژوهش حاضر و با در نظر گرفتن این مسئله که در زمان جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، ابزارهای فضای مجازی ذیل تاکتیک ارتباطات و رسانه کارایی نداشته، از این جهت در بخش یافته‌ها از این ابزار استفاده نشده است. همچنین در نتیجه‌گیری، تعداد فراوانی برخی از ابزارها صفر بوده و یا در بهترین حالت بسیار پایین بوده است که بر خلاف ابزار بهره‌گیری از فضای مجازی، آن ابزارها آورده شده و در تحلیل نهایی به آنها پرداخته شده است.

۴- تعریف عملیاتی و مفهومی تاکتیک‌ها و ابزارهای احصاء شده در سیاست خارجی

۴-۱ تاکتیک ارتباطات و رسانه

ارتباطات فرایند ایجاد معنا است که در همه موقعیت‌های اجتماعی دیده می‌شود و از ملاحظات بسیار وسیع عموم دانشمندان علوم اجتماعی است. پژوهش در زمینه ارتباطات اغلب با یک مدل ساده شروع می‌شود که می‌پرسد: «چه کسی چه چیزی را در چه کانالی به چه کسی و با چه تأثیری می‌گوید؟». توصیف حاصله از ساختار ارتباطات که در هر نظام اجتماعی (ساده یا پیچیده) وجود دارد، گاه به دلیل ترسیم جریانی خطی مورد انتقاد قرار می‌گیرد، زیرا حلقه‌های بازخورد در هر مرحله‌ای از ارتباطات می‌توانند شکل گیرند (مارشال، ۱۳۸۸: ۱۷۵-۱۷۴). رسانه نیز ابزاری ارتباطی مانند چاپ، رادیو و تلویزیون است. رسانه‌های جمعی به‌عنوان سازمان‌های وسیعی تعریف می‌شوند که از یک یا چند تا از این فن‌آوری‌ها برای ارتباط با تعداد زیادی از مردم استفاده می‌کنند (مارشال، ۱۳۸۸: ۷۰۷-۷۰۶). بنابراین تاکتیک ارتباطات و رسانه عبارت است از به کارگیری هدفمند ابزارهای ارتباطی رسمی و غیررسمی برای مدیریت ادراکات، چارچوب‌بندی گفتمان‌ها و اثرگذاری بر افکار عمومی و نخبگان خارجی در راستای اهداف سیاست خارجی (Cull, 2009: 12). از نظر عملیاتی نیز، این تاکتیک زمانی قابل مشاهده و کدگذاری است که دولت یا کنشگر سیاست خارجی از پیام‌رسانی سازمان‌یافته،

دسترسی رسانه‌ای کنترل‌شده، یا عملیات اطلاعاتی برای تغییر برداشت مخاطبان خارجی استفاده کند؛ به‌گونه‌ای که پیام صرفاً اطلاع‌رسانی نباشد، بلکه حامل جهت‌گیری هنجاری یا راهبردی باشد (Entman, 2008: 88).

ابزارهای تاکتیک ارتباطات و رسانه

اولین ابزار تاکتیک ارتباطات و رسانه، مصاحبه مطبوعاتی و سخنرانی است. مصاحبه مطبوعاتی عبارت است از؛ گفتگوی چهره به چهره یا تلفنی به منظور کسب اطلاعات مورد نظر، یا پاسخگویی رسمی به سؤالاتی که از طرف مطبوعات و نمایندگان رادیو، تلویزیون و رسانه‌های دیگر از اشخاص، مقامات و صاحب منصبان به عمل می‌آید (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶: ۳۴۱). دومین ابزار، پمپاژ خبری است که در ادبیات تبلیغات سیاسی بخشی از کنش برجسته‌سازی و تکرار را در بر می‌گیرد. زمانی که دولت‌ها و یا مجموعه‌های مرتبط به آن، با انتشار هدفمند داده‌های مشخص در یک دوره زمانی کوتاه، چارچوب معنایی خاصی را به وجود می‌آورند (Gilboa, 2008: 60). تور رسانه‌ای شامل طراحی و اجرای برنامه‌ریزی شده برای دعوت، هدایت و مدیریت دسترسی خبرنگاران رسانه‌های داخلی و خارجی به مکان‌های مورد نظر یا اهداف مشخص برای شکلی دهی به چارچوب مفهومی و ادراکی و دستور کار خبری در رسانه‌ها می‌شود (Gilbia, 2008: 61).

جنگ روانی ابزار دیگری است که ذیل تاکتیک ارتباطات و رسانه قرار می‌گیرد. این ابزار عبارت است از؛ فعالیت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی که در طول جنگ و یا جنگ سرد برای درهم شکستن اراده مقاومت در دشمن و به دست آوردن تفوق عالی صورت می‌گیرد. تنظیم عملیات جنگ روانی به مراتب دشوارتر از سایر رشته‌های رزمی است. زیرا اهداف جنگ روانی، تأثیر گذاشتن در روحیه انسان‌ها در جهتی بر خلاف معتقدات و عقاید آنها است. توفیق در جنگ روانی قبل از هر چیز وابسته به خصلت جنگ مفروض است. مثلاً کشوری که جنگ از طرف او عادلانه و شرافتمندانه است، می‌تواند عدالت و حقانیت خود را به نظامیان دشمن با دلایل کافی ثابت کند و ایمان آنها را به عدالت و حقانیت عمل دولتشان که آنها را به جنگ ظالمانه و غیرعادلانه کشانده است، متزلزل کند (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶: ۵۵۵). در نهایت ابزار بهره‌گیری از فضای مجازی، بستری نوظهور و دیجیتال را شامل می‌شود که ارتباط مستقیم و از راه دور و با بیشترین میزان تأثیرگذاری بر مخاطبان خارجی را فراهم می‌کند (Bjola & Holmes, 2015). در چنین بستری، نه تنها پیام به راحتی

انتقال پیدا خواهد کرد، بلکه محیطی برای شکل‌گیری هویت و روایت جدید خواهد بود که توانایی تبدیل شدن به روایت برتر و اصلی را خواهد داشت. مجموع این توضیحات، تاکتیک ارتباطات و رسانه را زمانی به خوبی محقق خواهد کرد که بازیگر دولتی و غیر آن، از ترکیب و استفاده همزمان از ابزارهای مختلف، برای شکل‌دهی به سیاست خارجی خود استفاده کند. این تاکتیک و ابزارهای آن با محوریت قرار دادن پیام هدفمند و مخاطب خارجی مشخص و هماهنگ میان کانال‌های ارتباطی، می‌تواند حداکثر منافع را برای بازیگر فراهم کند.

۲-۴ تاکتیک رایزنی دیپلماتیک

دیپلماسی عبارت است از؛ ۱. هنری که برای انجام امور دیپلماتیک و حقوقی و حفظ منافع کشور خودی در خارجه صورت پذیر می‌گردد. ۲. تطبیق درایت و فراست و ادب در اداره روابط رسمی بی کشورها. ۳. دانش روابط بین‌المللی که بر بنیاد قواعد به رسمیت شناخته شده همگانی استوار شده و به وسیله یک سلسله مراتب دیپلماتیک رهبری می‌شود (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶: ۱۸۳). رایزنی دیپلماتیک نیز در ادبیات روابط بین‌الملل به‌عنوان فرآیند ارتباط، مذاکره و تبادل مواضع میان نمایندگان رسمی یا غیررسمی واحدهای سیاسی با هدف تأثیرگذاری بر رفتار طرف مقابل تعریف می‌شود (Berridge, 2015: 1). این فرآیند شامل انتقال پیام، چانه‌زنی، کشف ترجیحات طرف مقابل و تلاش برای شکل‌دهی به نتایج سیاست خارجی است (Berston, 2014: 33). در یک تعریف عملیاتی، معنا و مفهوم ابزارهای تاکتیک رایزنی دیپلماتیک تماس یا دیدار رسمی/نیمه‌رسمی میان نمایندگان سیاسی طرف‌های دولتی است که مشخصاً موضوع مورد بحث آن مسائل سیاست خارجی، فراهم نمودن شرایط همکاری و تغییر، تثبیت و هماهنگ‌سازی مواضع است.

ابزارهای تاکتیک رایزنی دیپلماتیک

ابزار دوجانبه منطقه‌ای به تعامل مستقیم دو دولت در یک منطقه جغرافیایی مشترک، برای مدیریت مسائل منطقه‌ای اطلاق می‌شود. چنین تعاملاتی معمولاً مبتنی بر نزدیکی امنیتی و وابستگی متقابل منطقه‌ای است (Buzan & Waever, 2003). ابزار چندجانبه منطقه‌ای نیز شامل رایزنی در بستر نشست‌های بین‌دولتی منطقه‌ای است که بیش از دو دولت در آن دخیل بوده و مشارکت دارند و هدف، هماهنگی مواضع یا مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است (Ravenhill, 2017: 154). ابزار دوجانبه بین‌المللی نیز، هم‌افزایی مستقیم بین دو دولت است که در مناطق مختلف

جغرافیایی قرار داشته و بر روابط دوجانبه مشخص و یا موضوعات بین‌المللی که با منافع طرفین در ارتباط است تأکید دارند. ابزار چندجانبه بین‌المللی نیز به تعاملاتی گفته می‌شود که هدف آن شکل‌دهی به قواعد یا تصمیماتی جمعی (Keohane, 2005) که با حضور چندجانبه در مجامع بین‌المللی و یا بین‌دولتی با اهداف مشخص و منافع دسته‌جمعی است و در آن بیش از دو دولت و تا سقف نامشخص مشارکت دارند.

ابزار دیپلماسی پنهان نیز، شرایطی را تداعی می‌کند که از طریق کانال‌های غیررسمی و پنهان، بخشی از تعاملات برقرار می‌شود. در چنین شرایطی، وجود کانال مذاکره غیرعلنی، دیدارهای اعلام‌نشده یا پیام‌رسانی محرمانه میان نمایندگان دولت‌ها اتفاق می‌افتد که گاه به صورت غیرمنتظره افشا شده و گاهی نیز ممکن است برای همیشه پنهان بماند. نهایتاً دیپلماسی خط‌دو به‌عنوان آخرین ابزار تاکتیک رایزنی دیپلماتیک، به تعاملات غیررسمی میان بازیگران غیردولتی یا نیمه‌رسمی برای کاهش تنش و آماده‌سازی زمینه توافق رسمی گفته می‌شود (Montville, 1991: 162).

۳-۴ تاکتیک بهره‌گیری از اختلافات کشورها

بهره‌گیری از اختلافات کشورها به‌عنوان یکی از انواع تشکیل ائتلاف‌ها در نظر گرفته می‌شود. در روابط بین‌الملل نیز استفاده هدفمند از شکاف‌ها و تعارض منافع میان سایر دولت‌ها برای پیش‌برد اهداف سیاست خارجی را در بر می‌گیرد. در سنت نئورئالیستی، دولت‌ها برای افزایش امنیت و نفوذ خود، از رقابت‌ها و بی‌اعتمادی میان دیگران بهره می‌گیرند تا هزینه همگرایی علیه خود را افزایش دهند. این تعریف با مفهوم سیاست موازنه در ادبیات ائتلاف‌ها همخوان است، جایی که دولت‌ها با نزدیک‌شدن به یک طرف اختلاف، موقعیت خود را تقویت می‌کنند (Walt, 1987). در چنین شرایطی، استفاده هدفمند و عقلانی از شکاف‌های سیاسی، امنیتی یا اقتصادی میان دو/چند دولت، برای جلوگیری از همگرایی آنها، ایجاد همترازی‌های مطلوب، یا کسب امتیاز در تعاملات دو/چندجانبه، بخشی از سازوکارهای ابزارهای بهره‌گیری از اختلافات کشورها و بازیگران است.

ابزارهای تاکتیک بهره‌گیری از اختلافات کشورها

ابزار دوجانبه منطقه‌ای، به معنای تعامل دوجانبه با دولت و بازیگری در منطقه با هدف استفاده از اختلاف آن با دولت دیگر در همان منطقه است تا تغییر موازنه منطقه‌ای را به وجود بیاورد (Buzan & Waever, 2003). ابزار چندجانبه منطقه‌ای نیز بهره‌گیری از اختلافات منطقه‌ای به شکل گزینشی

با برخی از دولت‌ها و بازیگران منطقه‌ای است که اهداف یکسان و یا نزدیک به هم داشته و در برابر اهداف رقیب، با ایجاد همکاری در جهت خنثی‌سازی آن استفاده می‌شود (Ravenhill, 2017). ابزار بهره‌گیری از اختلافات کشورها و بازیگران در سطح بین‌المللی، به معنای تعامل با یکی از قدرت‌ها در سطح جهانی با هدف استفاده از رقابت آن با قدرت دیگر تعبیر می‌شود که در آثار میرشایمر به شکل تلویحی به آن پرداخته شده است (Mearsheimer, 2003). اما در یک تحلیل و نگرش جامع می‌توان هر گونه همکاری دوجانبه بین‌المللی در جهت تحقق منافع از مسیر کشف مسائل و چالش‌های اختلاف‌برانگیز قدرت رقیب با قدرت ثالث را در نظر گرفت. ابزار چندجانبه منطقه‌ای نیز به هر گونه بهره‌برداری از اختلافات موجود میان قدرت رقیب و قدرت‌های دیگر گفته می‌شود که با اجماع‌سازی، برنامه‌ها، اهداف، تاکتیک‌ها و راهبردهای بازیگر رقیب یا دشمن را خنثی می‌کند. در این ابزار بازیگر تلاش می‌کند تا مانع شکل‌گیری اجماع از سوی رقیب و دشمن شود و یا اجماع تشکیل شده را به سمت منافع خود هدایت کند.

۴-۴ تاکتیک اقامه دعاوی بین‌المللی

تاکتیک اقامه دعاوی بین‌المللی به معنای استفاده هدفمند از سازوکارهای حقوقی و شبه‌حقوقی در نظام بین‌الملل برای مشروعیت‌سازی، اعمال فشار سیاسی، ایجاد هزینه حیثیتی برای طرف مقابل و شکل‌دهی به افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی در راستای منافع سیاست خارجی است (Shaw, 2017 & Alter, 2014). در این تاکتیک، هدف صرفاً پیروزی حقوقی در دعوا نیست؛ بلکه فرآیند حقوقی، خود به ابزار قدرت تبدیل می‌شود. حتی طرح شکایت، درخواست نظر مشورتی یا گزارش‌سازی حقوق بشری می‌تواند برای طرف مقابل باعث ایجاد هزینه در زمینه‌های سیاسی، ادراکی، حقوقی و رسانه‌ای شود.

ابزارهای تاکتیک اقامه دعاوی بین‌المللی

ابزار سازمان ملل شامل استفاده هدفمند از سازوکارهای سیاسی و حقوقی سازمان ملل است. بهره‌گیری از ابزار دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، شامل استفاده از نهادهای منطقه‌ای برای صدور بیانیه، تشکیل کمیته حقیقت‌یاب یا اعمال سازوکارهای انضباطی می‌شود که برای مطالعه بیشتر می‌توان به (Abbott & Snidal, 1998) مراجعه کرد. نهادهای منطقه‌ای معمولاً هزینه سیاسی پایین‌تری برای طرح دعوا دارند و می‌توانند اجماع‌های موضعی ایجاد کنند که بعداً به سطح جهانی

منتقل شود. استفاده از ابزار سازمان‌های حقوق بشری نیز می‌تواند باعث تولید گزارش‌های مستند، ایجاد چارچوب هنجاری و اثرگذاری بر افکار عمومی و دولت‌ها شود. گزارش‌های این سازمان‌ها می‌تواند به‌عنوان منبع شبه حقوقی در تصمیم‌گیری دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد و مبنای تحریم یا فشار سیاسی شوند (Risse, Ropp & Sikkink, 2013). و در نهایت، دادگاه‌های بین‌المللی شامل ارجاع اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان کیفری بین‌المللی و یا دادگاه‌های داوری مانند لاهه، برای کسب رأی حقوقی یا حتی صرفاً ایجاد روند قضایی است (Alter, 2014). در چنین شرایطی حتی اگر رأی نهایی الزام‌آور نباشد و یا اجرا نشود، فرایند رسیدگی می‌تواند ابزار فشار سیاسی و تبلیغاتی باشد.

۵-۴ تاکتیک ایجاد شکنندگی درونی

ایجاد شکنندگی درونی، دخالت و یا دست‌یازی، به مجموعه عمل یک دولت که نتیجه آن زیر پا گذاشتن حاکمیت و استقلال داخلی و خارجی دولت دیگر باشد گفته می‌شود. این عمل ممکن است به صورت دست‌یازی در امور داخلی یک کشور و نظر دهی درباره سیاست داخلی و خارجی کشور دیگر صورت بگیرد (آشوری، ۱۳۷۰: ۱۵۲). در این رویکرد که با تمرکز بر ساختار داخلی قدرت، درگیر کردن حداکثری دولت هدف به مسائل داخلی است، ترکیبی از ابزارهای نرم و سخت قدرت را شامل می‌شود.

ابزارهای تاکتیک ایجاد شکنندگی درونی

ابزار حمایت از معارضین به معنای ارائه حمایت سیاسی، رسانه‌ای یا مالی به گروه‌های مخالف برای افزایش فشار بر دولت است. این ابزار می‌تواند مشروعیت اپوزیسیون را افزایش داده و شکاف میان دولت و جامعه را حتی بدون تغییر فوری در موازنه قدرت تشدید کند. تقویت احزاب و اپوزیسیون نیز کمک به سازماندهی، آموزش و توانمندسازی بازیگران سیاسی رقیب دولت است (Carothers, 2016) که با افزایش ظرفیت نهادی اپوزیسیون، رقابت سیاسی تشدید شده و با چالش‌های به وجود آمده بر مسائل داخلی، اجماع‌سازی در سیاست خارجی دشوار می‌شود. عملیات خرابکاری نیز اقدامات پنهان و آشکاری را شامل می‌شود که برای ایجاد اختلال در زیرساخت‌ها، اقتصاد یا ظرفیت‌های امنیتی انجام می‌شوند (Rid, 2020) که هدف آن افزایش هزینه‌های داخلی،

ایجاد ناامنی ادراکی در بین نخبگان حاکم و به ویژه مردم، و کاهش اعتماد عمومی به توان دولت در کنترل اوضاع است.

۶-۴ تاکتیک تعاملات اقتصادی

تعاملات اقتصادی به معنای استفاده هدفمند از ابزارهای مالی، تجاری و کمک‌های مادی برای ایجاد وابستگی، شکل‌دهی به ترجیحات سیاست خارجی بازیگران هدف، افزایش نفوذ ساختاری و تولید اهرم‌های پاداش و تنبیه در چارچوب روابط بین‌الملل است. در این تاکتیک مؤلفه‌های مختلف اقتصادی به ابزار قدرت تبدیل می‌شود. ایجاد وابستگی تجاری، اعطای وام، سرمایه‌گذاری، یا کمک‌های امنیتی و نظامی باعث می‌شود طرف مقابل در محاسبات راهبردی خود، هزینه قطع رابطه یا کاهش آن را بالا ببیند و در مقابل با گسترش روابط در ابعاد مختلف، از مزایای آن بهره‌مند شود. بنابراین تعامل اقتصادی نه صرفاً همکاری، بلکه سازوکاری برای نفوذ، کنترل ترجیحات، مدیریت رفتار و پوشش ضعف‌ها است.

ابزارهای تاکتیک تعاملات اقتصادی

ابزار کمک مالی و نظامی، یکی از فنون دولنداری با استفاده از ابزار اقتصادی است که در آن از کمک به‌عنوان ابزاری در سیاستگذاری برای نیل به اهداف خاص استفاده می‌شود. کمک خارجی متضمن رابطه‌ای میان دو کنشگر است که می‌توان یک طرف را کمک دهنده و طرف دیگر را دریافت‌کننده نامید. کمک خارجی را می‌توان شکلی از رابطه قدرت تلقی کرد. بنابراین کمک دهنده باید از توانایی‌هایی برخوردار باشد که می‌تواند به یک رابطه کمک تبدیل شود. هر چند دولت‌ها تنها کنشگرانی نیستند که وارد رابطه کمک خارجی می‌شوند، اما مهم‌ترین آنها هستند (ایوانز و نوفام، ۱۳۸۱: ۲۷۵-۲۷۴). ابزار ایجاد و گسترش روابط اقتصادی با بازیگران نیز شامل ایجاد و گسترش شبکه‌های مالی و تجاری است که می‌تواند به ابزار قدرت شبکه‌ای تبدیل شود. یعنی بازیگری که در گروه‌های کلیدی زنجیره‌های اقتصادی قرار دارد، می‌تواند جریان سرمایه، فناوری یا بازار کار را کنترل کند و از آن به‌عنوان اهرم سیاسی استفاده نماید. در این ابزار، بازیگران با ایجاد و گسترش روابط اقتصادی با دیگر بازیگران همسو، در کنار بهره‌مندی از مزایا و امتیازات متقابل، با یک رویکرد رقابتی، می‌توانند در مقابل رقبا و دشمنان از امتیازات بیشتری برخوردار شوند.

۵- یافته‌ها

در این بخش، تاکتیک‌های سیاست خارجی رژیم بعث عراق در طول جنگ تحمیلی هشت ساله علیه جمهوری اسلامی ایران از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ در هشت بازه زمانی یک ساله که در مرحله جمع‌آوری داده‌ها به شکل کاملاً کمی بررسی شده است، آورده خواهد شد.

جدول شماره (۴) تاکتیک ارتباطات و رسانه

ابزار	سال نخست	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	سال پنجم	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم
مصاحبه مطبوعاتی و سخنرانی	۳۳	۲۴	۲۶	۱۰	۱۳	۷	۵	۱۰
پمپاژ خبری	۷	۰	۱	۰	۳	۱	۲	۰
تور رسانه‌ای	۰	۱	۳	۰	۰	۰	۳	۲
جنگ روانی	۲۰	۱۷	۴۸	۵۹	۵۶	۵۲	۳۲	۵۱

الگوی فراوانی تاکتیک ارتباطات و رسانه در سیاست خارجی رژیم بعث عراق طی جنگ هشت‌ساله نشان‌دهنده یک غلبه آشکار رویکرد تبلیغاتی-روانشناختی بر دیپلماسی گفتاری و نمایشی است؛ در اینجا جنگ روانی با فاصله بسیار زیاد پر تکرارترین ابزار (مجموع ۳۳۵ مورد) است و روند آن صعودی سریع از سال نخست (۲۰ مورد) به اوج در سال‌های چهارم تا ششم (۵۹، ۵۶، ۵۲ مورد) است، سپس با وجود کاهش نسبی، در سال هشتم دوباره افزایش می‌یابد (۵۱ مورد). این توزیع نشان‌دهنده آن است که بغداد از رسانه نه صرفاً برای مشروعیت‌سازی دیپلماتیک، بلکه به‌عنوان ابزار مستقیم اثرگذاری ادراکی بر افکار عمومی، تضعیف روحیه طرف مقابل، و مدیریت تصویر جنگ در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کرده است. اوج‌گیری در میانه جنگ با مرحله‌ای هم‌خوان است که بغداد تلاش داشت موازنه میدانی را از طریق برتری ادراکی و روایت‌سازی تقویت کند.

در مقابل، مصاحبه مطبوعاتی و سخنرانی (مجموع ۱۲۸ مورد) روندی نزولی دارد. از سطح نسبتاً بالا در سال‌های نخست (۳۳، ۲۴، ۲۶ مورد) به کاهش مستمر در سال‌های پایانی (۵ و ۱۰ مورد). این امر بیانگر آن است که عراق در مراحل اولیه جنگ برای تثبیت روایت رسمی و جلب حمایت سیاسی

به دیپلماسی گفتاری متوسل شد، اما با تثبیت شبکه‌های حمایتی منطقه‌ای و بین‌المللی و تمرکز بر بخش‌های دیگر، نیاز به این ابزار کاهش یافت و جای خود را به جنگ روانی سازمان‌یافته داد. به بیان دیگر، کارکرد مصاحبه‌ها بیشتر در فاز مشروعیت‌سازی اولیه بوده و سپس اهمیت عملیاتی خود را از دست داده است. ابزار پمپاژ خبری (مجموع ۱۴ مورد) و تور رسانه‌ای (مجموع ۹ مورد) هر دو فراوانی پایین و الگوی مقطعی دارند. پمپاژ خبری عمدتاً در سال‌های نخست و میانی به صورت پراکنده دیده می‌شود و نشان‌دهنده استفاده مکمل از اشباع خبری بدون پشتوانه رویدادی است، نه یک راهبرد پایدار. تور رسانه‌ای نیز تقریباً غایب است و تنها در چند سال خاص فعال می‌شود؛ این امر حاکی از آن است که عراق کمتر به راهبرد مشاهده میدانی برای مشروعیت‌بخشی متکی بوده و بیشتر بر کنترل متمرکز پیام و تولید روایت از بالا تمرکز داشته است.

جدول شماره (۵) تاکتیک رایزنی دیپلماتیک

ابزار	سال نخست	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	سال پنجم	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم
دوجانبه منطقه‌ای	۹	۵	۱۴	۱۸	۹	۱۱	۱۵	۸
چندجانبه منطقه‌ای	۳	۳	۵	۰	۰	۲	۰	۲
دوجانبه بین‌المللی	۳۰	۳۲	۳۶	۲۰	۱۸	۱۶	۲۹	۱۱
چندجانبه بین‌المللی	۱۲	۱۴	۵	۰	۱	۰	۳	۱
دیپلماسی پنهان	۲	۱	۲	۰	۰	۱	۱	۰
دیپلماسی خط دو	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

الگوی کمی فراوانی ابزارهای رژیم بعث عراق در سطح منطقه‌ای، نشان‌دهنده تلاش برای عبور از بحران است. در ابزار دوجانبه منطقه‌ای از ۹ مورد در سال نخست به ۱۴ و سپس ۱۸ مورد در سال چهارم افزایش می‌یابد که نشان‌دهنده اوج تلاش عراق برای نهادینه‌سازی شبکه پشتیبانی عربی در دوره‌ای است که جنگ وارد فاز فرسایشی شده بود و نیاز به منابع مالی و لجستیکی افزایش یافت. در

مقابل، ابزار چندجانبه منطقه‌ای که در سال‌های نخست ارقامی محدود اما مستمر داشت (۳، ۳، ۵ مورد) پس از سال سوم تقریباً حذف می‌شود و تنها در سال‌های ششم و هشتم با ارقام بسیار پایین (۲ مورد) بازمی‌گردد؛ این امر نشان می‌دهد که بغداد نهادهای جمعی و چندجانبه عربی و منطقه‌ای را بیشتر به‌عنوان تریبون نمادین می‌دید تا سازوکار عملی تأمین منافع. کاهش هم‌زمان اکثر شاخص‌های دیپلماتیک در سال‌های پنجم و ششم (به‌ویژه افت دوجانبه بین‌المللی از ۲۰ به ۱۸ و سپس ۱۶ مورد) با اوج‌گیری اعتماد رژیم بعث عراق به ابزار نظامی و ادراک برتری میدانی است. با این حال، افزایش مجدد ابزار دوجانبه بین‌المللی در سال هفتم (۲۹ مورد) نشان می‌دهد که با تشدید هزینه‌های جنگ و شکل‌گیری افق پایان منازعه، دیپلماسی دوباره فعال شد تا شرایط خاتمه جنگ مدیریت شود.

هم‌زمانی نسبتاً بالای ابزار دوجانبه بین‌المللی (۳۰ مورد) با فعالیت قابل توجه ابزار چندجانبه بین‌المللی (۱۲ مورد) بیانگر تلاش بغداد برای عبور از بحران مشروعیت ناشی از آغاز جنگ از طریق ترکیب دو سطح دیپلماسی بود؛ یعنی در سطح دوجانبه برای جلب حمایت عملی قدرت‌های مؤثر و در سطح چندجانبه برای جلوگیری از انزوای حقوقی. با ورود به سال دوم، افزایش ابزار دوجانبه بین‌المللی (۳۲ مورد) در کنار رشد ابزار چندجانبه بین‌المللی (۱۴ مورد) نشان می‌دهد که عراق هنوز خود را در وضعیت نیاز به مشروعیت‌سازی می‌دید و سعی داشت هم‌زمان از ظرفیت نهادهای بین‌المللی و روابط مستقیم بهره بگیرد. اما از سال سوم به بعد، با تثبیت نسبی شبکه‌های حمایتی و بهبود موقعیت میدانی، گرایش به دیپلماسی چندجانبه کاهش یافت (سقوط از ۵ مورد در سال سوم به صفر در سال چهارم) در حالی که ابزار دوجانبه بین‌المللی همچنان در سطح بالا باقی ماند (۳۶ مورد در سال سوم و ۲۰ مورد در سال چهارم). این جابه‌جایی کمی نشان‌دهنده انتقال آگاهانه از عرصه‌های چندجانبه پرهزینه به روابط دوجانبه کم‌هزینه‌تر و کارآمدتر برای تأمین تسلیحات، اعتبارات مالی و حمایت سیاسی است. فراوانی بسیار پایین دیپلماسی پنهان (۲، ۱، ۲ و سپس تقریباً صفر مورد) و فقدان کامل دیپلماسی خط دو نشان‌دهنده ساختار سخت و دولت‌محور سیاست خارجی رژیم بعث عراق است که در آن کانال‌های غیررسمی و شبکه‌های میانجی جایگاهی نداشتند. این محدودیت، انعطاف‌پذیری بغداد در مدیریت بحران‌های ناگهانی را کاهش می‌داد، اما در عوض انسجام و کنترل مرکزی بر پیام و تصمیم را افزایش می‌داد. در مجموع، توزیع سالانه فراوانی‌ها نشان می‌دهد که دیپلماسی عراق تابع چرخه‌های میدانی جنگ بود: در مراحل نیاز به مشروعیت و منابع، فعالیت

دیپلماتیک در سطوح دوجانبه اوج می‌گرفت و در دوره‌های احساس برتری نظامی کاهش می‌یافت، و در آستانه پایان جنگ مجدداً برای شکل‌دهی به چارچوب سیاسی خاتمه مخاصمه فعال می‌شد.

جدول شماره (۶) بهره‌گیری از اختلافات کشورها

ابزار	سال نخست	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	سال پنجم	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم
دوجانبه منطقه‌ای	۵	۳	۳	۰	۱	۱	۴	۰
چندجانبه منطقه‌ای	۳	۳	۱	۰	۰	۰	۲	۱
دوجانبه بین‌المللی	۱	۱	۰	۱	۲	۱	۱	۰
چندجانبه بین‌المللی	۰	۰	۰	۰	۲	۱	۰	۱

الگوی کمی ابزار دوجانبه منطقه‌ای، فراوانی نسبتاً بالای سال نخست (۵ مورد) در مقایسه با سال‌های بعد نشان می‌دهد که رژیم بعث عراق در ابتدای جنگ تلاش داشت از شکاف‌های موجود برای شکل‌دهی اجماع منطقه‌ای علیه ایران بهره‌برد. کاهش این شاخص به ۳ در سال‌های دوم و سوم و سپس سقوط به صفر در سال چهارم بیانگر آن است که با تثبیت نسبی حمایت برخی بازیگران عربی و تبدیل جنگ به منازعه‌ای فرسایشی، نیاز به بهره‌برداری فعال از اختلافات کاهش یافت و شبکه حمایتی به حالت تثبیت‌شده درآمد و تمرکز رژیم بعث در حوزه سیاست خارجی به بخش‌های دیگر معطوف شد. با این حال، بازگشت محدود این ابزار در سال‌های پنجم تا هفتم (۱، ۱ و ۴ مورد) نشان می‌دهد که هرگاه نشانه‌هایی از فرسایش حمایت‌های مالی و سیاسی منطقه‌ای ظاهر می‌شد، بغداد مجدداً به فعال‌سازی شکاف‌ها روی می‌آورد تا مانع همگرایی احتمالی بازیگران عربی در قبال ایران شود. در حوزه ابزار چندجانبه منطقه‌ای، توزیع اعداد (۳، ۳، ۱، ۰، ۰، ۲، ۱) نشان‌دهنده استفاده ابزاری بغداد از مجامع منطقه‌ای برای برجسته‌سازی اختلافات در قالب‌های نهادی است. حضور نسبتاً فعال در سه سال نخست نشان می‌دهد که بغداد تلاش می‌کرد شکاف‌های میان دولت‌های عضو نهادهای منطقه‌ای را در چارچوب‌های جمعی بازنمایی کند تا از شکل‌گیری موضع واحد جلوگیری شود. اما از سال چهارم تا ششم، حذف کامل این ابزار بیانگر آن است که کارآمدی نهادهای منطقه‌ای

برای شکاف‌سازی کاهش یافته یا عراق ترجیح داده است اختلافات را از طریق کانال‌های دوجانبه مدیریت کند. بازگشت محدود در سال‌های هفتم و هشتم (۲ و ۱ مورد) با تلاش برای اثرگذاری بر فضای سیاسی منطقه‌ای در آستانه پایان جنگ مرتبط است.

در سطح ابزار دوجانبه بین‌المللی، فراوانی پایین و پراکنده (۱، ۱، ۰، ۱، ۲، ۱، ۱، ۰ مورد) نشان می‌دهد که بهره‌گیری از شکاف‌های قدرت‌های بزرگ یا بازیگران فرامنطقه‌ای در قالب روابط مستقیم، برای رژیم حاکم در عراق عاملی مکمل و نه محوری بوده است. اوج نسبی در سال پنجم (۲ مورد) را می‌توان با شرایطی مرتبط دانست که بغداد نیاز داشت از رقابت میان قدرت‌های تأثیرگذار برای کاهش فشارهای سیاسی یا تأمین منابع بهره‌بردار. در سایر سال‌ها، ثبات در سطح حداقلی بیانگر آن است که رژیم بعث، بیشتر بر دیپلماسی دوجانبه کلاسیک برای جلب حمایت تکیه داشت تا بر فعال‌سازی شکاف میان بازیگران بین‌المللی و تهران. در حوزه ابزار چندجانبه بین‌المللی نیز، تقریباً فقدان کامل فعالیت تا سال چهارم و ظهور محدود آن در سال‌های پنجم، ششم و هشتم (۲، ۱، ۱ مورد) نشان می‌دهد که بغداد تنها در مراحل پایانی جنگ و در چارچوب نهادهای بین‌المللی تلاش کرد از اختلافات میان قدرت‌ها بهره‌برداری کند. این امر با افزایش اهمیت عرصه چندجانبه در مدیریت پایان جنگ و تلاش برای شکل‌دهی به موازنه‌های سیاسی در نهادهای بین‌المللی همخوانی دارد. در مجموع، الگوی کمی این تاکتیک نشان می‌دهد که بهره‌گیری از اختلافات برای ساختار تصمیم‌گیر در حوزه سیاست خارجی رژیم بعث عراق یک ابزار فرعی و موقعیتی بوده است که عمدتاً در دوره‌های عدم قطعیت حمایتی یا در آستانه تحولات سیاسی مهم فعال می‌شد و هیچ‌گاه به سطح یک تاکتیک پایدار و ساختاری، ارتقا نیافت.

جدول شماره (۷) اقامه دعاوی بین‌المللی

ابزار	سال نخست	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	سال پنجم	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم
سازمان ملل	۴	۹	۶	۹	۱۷	۱۷	۲۰	۲۷
دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی	۰	۰	۰	۱	۳	۱	۱	۰
سازمان‌های حقوق بشری	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰
دادگاه‌های بین‌المللی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

در سطح سازمان ملل، الگوی افزایشی فراوانی (۴، ۹، ۶، ۹، ۱۷، ۱۷، ۲۰، ۲۷ مورد) نشان‌دهنده آن است که رژیم بعث عراق به تدریج این نهاد را به محور اصلی پیگیری دعوای بین‌المللی خود تبدیل کرده بود. در سال‌های نخست، اعداد نسبتاً پایین‌تر بیانگر آن است که بغداد هنوز در مرحله تثبیت روایت حقوقی از جنگ و تلاش برای معرفی خود به‌عنوان طرف مدافع بود و از سازوکارهای شورای امنیت و دبیرخانه بیشتر برای ثبت مواضع و شکایات اولیه بهره می‌برد. افت نسبی در سال سوم (۶ مورد) را می‌توان با شرایط میدانی و تمرکز بر تحولات نظامی توضیح داد، اما از سال چهارم به بعد روندی صعودی و مستمر شکل می‌گیرد که اوج آن در سال‌های هفتم و هشتم (۲۰ و ۲۷ مورد) است. این افزایش با بین‌المللی شدن بیشتر جنگ، تشدید حملات به اهداف غیرنظامی و دریایی، و تلاش عراق برای مدیریت پیامدهای حقوقی اقدامات خود و هم‌زمان متهم‌سازی ایران در مجامع رسمی همخوانی دارد. به بیان دیگر، سازمان ملل برای بغداد به سکوی اصلی مشروعیت‌سازی، انتقال منازعه از سطح دوجانبه به چندجانبه و تأثیرگذاری بر ادراک جامعه بین‌المللی تبدیل شده بود.

در حوزه دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، فراوانی بسیار محدود و مقطعی (۰، ۰، ۱، ۱، ۱، ۰) نشان می‌دهد که این مسیر هیچ‌گاه به ابزار محوری تبدیل نشد. ظهور این ابزار از سال چهارم به بعد، آن هم با اعداد پایین، بیانگر آن است که بغداد صرفاً در شرایط خاص احتمالاً برای تکمیل فشار سیاسی یا هماهنگ‌سازی مواضع با برخی نهادهای تخصصی—به این سازمان‌ها رجوع می‌کرد. اوج نسبی در سال پنجم (۳ مورد) می‌تواند بازتاب تلاش برای گسترش دامنه مشروعیت منطقه‌ای یا استفاده از ظرفیت‌های نهادی خارج از سازمان ملل باشد، اما بازگشت سریع به سطح حداقلی نشان می‌دهد که کارآمدی این مسیر برای عراق محدود ارزیابی شده است. در سطح سازمان‌های حقوق بشری، اعداد بسیار پایین و پراکنده (۰، ۱، ۰، ۱، ۱، ۰) حاکی از رویکردی تدافعی و حداقلی است. بغداد نه تنها از این ابزار برای طرح گسترده دعوای استفاده نکرد، بلکه حضور مقطعی آن نشان می‌دهد که بیشتر در واکنش به فشارها یا برای ایجاد توازن روایی نسبت به اتهامات مطرح‌شده علیه خود به آن متوسل شده بود. فقدان تداوم در این حوزه بیانگر آن است که رژیم بعث ترجیح می‌داد پرونده جنگ را در چارچوب‌های سیاسی-امنیتی سازمان ملل مدیریت کند و از ورود فعال به سازوکارهای تخصصی حقوق بشری که می‌توانست هزینه‌های حقوقی بیشتری ایجاد کند، پرهیز نماید. در حوزه دادگاه‌های بین‌المللی نیز، فقدان کامل داده در تمام هشت سال نشان‌دهنده عدم استفاده ساختاری از مسیر قضایی بین‌المللی است. این امر بیانگر آن است که بغداد راهبرد حقوقی خود را بر

سازوکارهای سیاسی و شبه قضایی مبتنی بر چانه زنی و صدور قطعنامه‌ها متمرکز کرده و از ارجاع منازعه به نهادهای دارای صلاحیت قضایی الزام آور اجتناب کرده بود؛ زیرا چنین مسیری می‌توانست کنترل نتایج را کاهش داده و خطر صدور آرای الزام آور یا ایجاد سابقه حقوقی علیه آن را افزایش دهد. در مجموع، الگوی کمی نشان می‌دهد که تاکتیک اقامه دعاوی بین‌المللی رژیم بعث عراق ماهیتی سازمان‌محور و سیاسی داشته، با تمرکز فزاینده بر سازمان ملل و استفاده حداقلی و ابزاری از سایر مسیرهای نهادی، و پرهیز کامل از سازوکارهای قضایی الزام آور بوده است.

جدول شماره (۸) تاکتیک ایجاد شکنندگی درونی

ابزار	سال نخست	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	سال پنجم	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم
حمایت از معارضین	۳۳	۹	۹	۷	۹	۹	۴	۶
تقویت احزاب و اپوزیسیون	۷	۳	۰	۰	۱	۱	۰	۰
عملیات خرابکاری	۱۷۵	۱۱۳	۱۹۶	۱۹۳	۱۴۱	۹۳	۱۳۸	۱۱۷

الگوی کمی حمایت از معارضین (۳۳، ۹، ۹، ۷، ۹، ۹، ۴، ۶ مورد) نشان می‌دهد که رژیم بعث عراق در سال نخست جنگ بیشترین سرمایه‌گذاری را بر این ابزار داشته است. این تمرکز اولیه با منطق جنگ‌های متعارف - نامتقارن سازگار است؛ یعنی تلاش برای بهره‌گیری از شکاف‌های اجتماعی و سیاسی در طرف مقابل پیش از تثبیت کامل ساختارهای امنیتی آن. کاهش شدید از سال دوم به بعد و تثبیت در سطحی پایین اما مستمر، بیانگر آن است که یا ظرفیت بهره‌برداری از شبکه‌های معارض محدود شده، یا کارآمدی این ابزار نسبت به هزینه‌های آن کاهش یافته بود. تداوم حداقلی در سال‌های میانی و پایانی نشان می‌دهد که بغداد این ابزار را به‌طور کامل کنار نگذاشته، بلکه آن را به سطحی تکمیلی در کنار ابزارهایی با رویکرد سخت‌تر منتقل کرده بود. در مورد ابزار تقویت احزاب و اپوزیسیون، فراوانی بسیار پایین و روند نزولی (۷، ۳، ۰، ۰، ۱، ۰، ۰، ۰ مورد) حاکی از آن است که این مسیر هیچ‌گاه به ابزار اصلی تبدیل نشده است. تمرکز محدود در دو سال نخست احتمالاً بازتاب تلاش اولیه برای ایجاد بدیل‌های سیاسی یا نمادین در برابر ساختار رسمی ایران بوده، اما حذف تقریباً کامل آن از سال سوم به بعد نشان می‌دهد که یا بستر اجتماعی

و سازمانی لازم برای چنین راهبردی فراهم نبوده، یا بازده عملیاتی آن در مقایسه با سایر ابزارها ناچیز ارزیابی شده است. بازگشت مقطعی و بسیار محدود در سال‌های پنجم و ششم نیز بیشتر نشان‌دهنده استفاده موردی و فرصت‌محور است تا یک خط‌مشی تاکتیکی پایدار.

اما ابزار عملیات خرابکاری با اختلاف بسیار زیاد پرتکرارترین ابزار این تاکتیک و مجموعه تاکتیک‌ها است و الگوی آن (۱۷۵، ۱۱۳، ۱۹۶، ۱۹۳، ۱۴۱، ۹۳، ۱۳۸، ۱۱۷ مورد) نشان‌دهنده نقش محوری آن در تاکتیک ایجاد شکنندگی درونی است. سطح بسیار بالای رخدادها در سال‌های نخست تا چهارم بیانگر آن است که بغداد این ابزار را به‌عنوان مؤثرترین روش برای ایجاد بی‌ثباتی داخلی، اخلال در زیرساخت‌ها و افزایش هزینه‌های امنیتی ایران به کار گرفته بود. اوج در سال سوم و تداوم سطح بالا در سال چهارم نشان می‌دهد که این دوره، مرحله نهادی‌شدن و گسترش شبکه‌های عملیاتی بوده است. کاهش نسبی در سال‌های پنجم و ششم می‌تواند ناشی از افزایش کنترل امنیت داخلی ایران، تغییر اولویت‌های میدانی یا انتقال منابع به جبهه‌های دیگر باشد، اما افزایش دوباره در سال هفتم (۱۳۸ مورد) نشان‌دهنده تلاش برای احیای این ابزار در مقطع فرسایشی جنگ است. افت نسبی در سال هشتم نیز با نزدیک‌شدن به پایان جنگ و تغییر ملاحظات سیاسی و نظامی می‌تواند قابلیت تبیین پیدا کند. در مجموع، ساختار فراوانی‌ها نشان می‌دهد که تاکتیک ایجاد شکنندگی درونی رژیم بعث عراق ماهیتی سخت‌محور و عملیاتی داشته است؛ به‌گونه‌ای که عملیات خرابکاری به‌عنوان ابزار غالب، ستون اصلی این تاکتیک را تشکیل می‌دهد، در حالی که حمایت از معارضین نقش پشتیبان و کاهنده داشته و تقویت اپوزیسیون عملاً به حاشیه رانده شده است.

جدول شماره (۹) تاکتیک تعاملات اقتصادی

ابزار	سال نخست	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	سال پنجم	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم
کمک مالی و نظامی	۳۰	۷۲	۲۷	۷	۲۴	۱۱	۸	۷
ایجاد و گسترش روابط اقتصادی با بازیگران	۲۰	۲۸	۴۰	۲۸	۱۴	۱۷	۹	۶

الگوی کمی کمک‌های مالی و نظامی (۳۰، ۷۲، ۲۷، ۷، ۲۴، ۱۱، ۸، ۷ مورد) نشان می‌دهد که این ابزار در سال‌های ابتدایی جنگ جایگاهی کاملاً محوری در سیاست خارجی رژیم بعث عراق داشته است. جهش چشمگیر در سال دوم (۷۲ مورد) بیانگر اوج‌گیری تلاش بغداد برای جذب منابع مالی، اعتباری و تسلیحاتی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به منظور تثبیت توان جنگی و جبران فرسایش‌های اولیه است. کاهش تند در سال چهارم (۷ مورد) نشان‌دهنده گذار از مرحله بسیج حداکثری منابع خارجی به مرحله‌ای است که شبکه‌های حمایتی تثبیت شده و نیاز به کنش‌های دیپلماتیک مکرر برای اخذ کمک کاهش یافته است. هر چند ممکن است از بخش قابل توجهی از تعاملات اقتصادی به شکل پنهانی انجام می‌شد که آمار دقیق آن در دسترس نبوده است. با این حال، افزایش نسبی در سال پنجم (۲۴ مورد) حاکی از آن است که در مقاطع بحرانی میانی جنگ، رژیم بعث عراق دوباره به فعال‌سازی این ابزار روی آورده تا شکاف‌های مالی و تسلیحاتی را جبران کند. روند نزولی ملایم در سال‌های پایانی نیز با تثبیت خطوط نبرد، کاهش تحرکات دیپلماتیک مالی و نزدیک شدن به پایان جنگ قابل تبیین است. در مجموع، این ابزار ماهیتی چرخه‌ای و واکنشی دارد و شدت آن تابعی از نیازهای مقطعی جنگ و میزان دسترسی به حامیان خارجی است.

در مقابل، ایجاد و گسترش روابط اقتصادی با بازیگران با الگوی (۲۰، ۲۸، ۴۰، ۲۸، ۱۴، ۱۷، ۹، ۶ مورد) نشان‌دهنده رویکردی ساختاری و بلندمدت‌تر است. افزایش تدریجی تا سال سوم (۴۰ مورد) بیانگر آن است که بغداد در مرحله تثبیت جنگ تلاش کرده شبکه‌ای از روابط تجاری، اعتباری و همکاری‌های اقتصادی را ایجاد کند تا هم جریان پایدار منابع را تضمین نماید و هم هزینه‌های انزوای ناشی از جنگ را کاهش دهد. کاهش تدریجی پس از سال چهارم نشان می‌دهد که پس از شکل‌گیری این شبکه‌ها، نیاز به گسترش کمی روابط کاهش یافته و تمرکز به بهره‌برداری از روابط موجود منتقل شده است. افت محسوس در سال‌های پایانی نیز با فرسایشی شدن اقتصاد جنگ، محدودیت‌های مالی و تغییر اولویت‌ها به سمت مدیریت پایان جنگ همخوانی دارد. در مجموع تاکتیک تعاملات اقتصادی رژیم بعث عراق ترکیبی از یک مؤلفه کوتاه‌مدت و بسیج‌گرا (کمک‌های مالی و نظامی) و یک مؤلفه بلندمدت و ساختاری (گسترش روابط اقتصادی) بوده است. در سال‌های نخست، تمرکز بر جذب فوری منابع برای تداوم جنگ غالب است، اما به تدریج با تثبیت شبکه‌های حمایتی، وزن ابزار ساختاری افزایش می‌یابد. این الگو بیانگر آن است که بغداد تلاش کرده وابستگی صرف به کمک‌های مقطعی

را با ایجاد پیوندهای اقتصادی پایدار تکمیل کند تا هم پایداری مالی جنگ را تضمین نماید و هم جایگاه خود را در اقتصاد منطقه‌ای حفظ کند، هرچند در سال‌های پایانی محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی دامنه هر دو ابزار را کاهش داده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با پرداختن به ادبیات نظری تاکتیک‌های سیاست خارجی از طریق مصاحبه و با مراجعه به متخصصین، مدل مفهومی و چارچوبی جدید از تاکتیک‌ها و ابزارهای سیاست خارجی در بعد نظری ترسیم شده است. این چارچوب در مطالعه موردی سیاست خارجی رژیم بعث عراق در دوران جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران با مراجعه و تمرکز به منابع مشخصی که در بخش روش‌شناسی پژوهش به آن اشاره شد، به مطالعه پرداخته است. مجموعه تاکتیک‌ها و ابزارهایی که توسط رژیم بعث عراق مورد استفاده قرار گرفته و در بخش یافته‌ها به شکل جداگانه و مشخص آمده، در جدول شماره (۱۰) قرار گرفته است.

ارزیابی تاکتیک‌ها و ابزارهای سیاست خارجی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران

تاکتیک	ابزار	سال نخست	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	سال پنجم	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم	جمع هشت سال
ارتباطات و رسانه	مصاحبه مطبوعاتی و سخنرانی	۳۳	۲۴	۲۶	۱۰	۱۳	۷	۵	۱۰	۱۲۸
	پمپاژ خبری	۷	۰	۱	۰	۳	۱	۲	۰	۱۴
	تور رسانه‌ای	۰	۱	۳	۰	۰	۰	۳	۲	۹
	جنگ روانی	۲۰	۱۷	۴۸	۵۹	۵۶	۵۲	۳۲	۵۱	۳۳۵
رابطه دیپلماتیک	دوجانبه منطقه‌ای	۹	۱۵	۱۴	۱۸	۹	۱۱	۱۵	۸	۹۹
	چندجانبه منطقه‌ای	۳	۳	۵	۰	۰	۲	۰	۲	۱۵
	دوجانبه بین‌المللی	۳۰	۳۲	۳۶	۲۰	۱۸	۱۶	۲۹	۱۱	۱۹۲
	چندجانبه بین‌المللی	۱۲	۱۴	۵	۰	۱	۰	۳	۱	۳۶
	دیپلماسی پنهان	۲	۱	۲	۰	۰	۱	۱	۰	۷
	دیپلماسی خط دو	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اختلافات کشورها	دوجانبه منطقه‌ای	۵	۳	۳	۰	۱	۱	۴	۰	۱۷
	چندجانبه منطقه‌ای	۳	۳	۱	۰	۰	۰	۲	۱	۱۰
	دوجانبه بین‌المللی	۱	۱	۰	۱	۲	۱	۱	۰	۷

تاکتیک	ابزار	سال نخست	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	سال پنجم	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم	جمع هشت سال
	چندجانبه بین‌المللی	۰	۰	۰	۰	۲	۱	۰	۱	۴
اقامه دعای بین‌الملل	سازمان ملل	۴	۹	۶	۹	۱۷	۱۷	۲۰	۲۷	۱۰۹
	دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی	۰	۰	۰	۱	۳	۱	۱	۰	۶
	سازمان‌های حقوق بشری	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۳
	دادگاه‌های بین‌المللی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ایجاد شکنندگی درونی	حمایت از معارضین	۳۳	۹	۹	۷	۹	۹	۴	۶	۸۶
	تقویت احزاب و اپوزیسیون	۷	۳	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۱۲
	عملیات خرابکاری	۱۷۵	۱۱۳	۱۹۶	۱۹۳	۱۴۱	۹۳	۱۳۸	۱۱۷	۱۱۶۶
تعمیرات اقتصادی	کمک مالی و نظامی	۳۰	۷۲	۲۷	۷	۲۴	۱۱	۸	۷	۱۸۶
	ایجاد و گسترش روابط اقتصادی با بازیگران	۲۰	۲۸	۴۰	۲۸	۱۴	۱۷	۹	۶	۱۶۲
جمع تاکتیک‌ها		۳۹۴	۳۴۹	۴۲۲	۳۵۴	۳۱۵	۲۴۲	۲۷۷	۲۵۰	۲۶۰۳

سیاست خارجی عراق در دوران رژیم بعث و مشخصاً در طول جنگ هشت ساله علیه جمهوری اسلامی ایران، نشان‌دهنده یک برنامه چندلایه و هم‌پوشان است که ابزارهای نرم، نیمه‌سخت و سخت را در چارچوبی هماهنگ برای دستیابی به اهداف کلان جنگ به کار گرفته است. در سطح ارتباطات و رسانه، رژیم بعث عراق با بهره‌گیری گسترده از جنگ روانی و در کنار آن مصاحبه‌های مطبوعاتی، سخنرانی‌ها و تورهای رسانه‌ای تلاش می‌کرد تصویر جنگ و موفقیت‌های خود را کنترل و روایت رسمی را تثبیت کند، به گونه‌ای که موازنه روانی جنگ به نفع بغداد شکل گیرد و فشار روانی بر طرف مقابل افزایش یابد. این تلاش‌ها همزمان با ابزارهایی که در تاکتیک رایزنی دیپلماتیک، به ویژه دیپلماسی دوجانبه و چندجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، و همچنین دیپلماسی پنهان و خط دو، ساختاری برای مشروعیت‌بخشی و مدیریت روابط بین‌المللی ایجاد می‌کرد تا کمک‌های سیاسی، مالی و نظامی دریافت شده و فشارهای بین‌المللی بر عراق کاهش یابد. شدت و فراوانی رخدادهای دیپلماسی دوجانبه نشان می‌دهد که رژیم بعث عراق همواره از این ابزارها برای تثبیت جایگاه خود در روابط

مستقیم با بازیگران کلیدی و کنترل محیط سیاسی بهره می‌برد، در حالی که دیپلماسی چندجانبه عمدتاً برای حفظ مشروعیت در نهادهای بین‌المللی و یا روابط چندجانبه بین‌دولتی بوده است.

در همین راستا، تاکتیک بهره‌گیری از اختلافات کشورها به رژیم بعث عراق امکان می‌داد تا شکاف‌های میان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را فعال نگه دارد و در کنار اینکه مانع شکل‌گیری اجماع علیه خود شود، بتواند با ایجاد شکاف و تشدید تنش‌ها میان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی با ایران، از شرایط فراهم شده بهره‌برداری کند. هرچند این ابزار عمدتاً مقطعی و مکمل تاکتیک اصلی بود و هیچ‌گاه به سطح یک راهبرد ساختاری ارتقا نیافت. دعاوی بین‌المللی نیز به‌ویژه از طریق سازمان ملل، ستون اصلی مشروعیت‌بخشی بغداد را تشکیل می‌داد و این رژیم در کنار سازمان‌های منطقه‌ای و حقوق بشری به دنبال تثبیت روایت حقوقی و سیاسی خود بود، در حالی که از مسیر دادگاه‌های بین‌المللی اجتناب می‌کرد تا کنترل نتایج و پیامدهای حقوقی را حفظ نماید. این بخش نشان می‌دهد که بغداد راهبرد حقوقی خود را بر مسیرهای سیاسی - نهادی متمرکز کرده بود و تلاش داشت از طریق نهادهای رسمی و چندجانبه، فشارهای بین‌المللی و تحریم‌ها را مدیریت کند. در کنار این، تاکتیک ایجاد شکستگی درونی با محوریت عملیات خرابکاری و در سطح کمتر با حمایت از معارضین، به عراق امکان می‌داد هزینه‌های داخلی جنگ را به طرف مقابل منتقل کند و ثبات داخلی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. این تاکتیک نشان‌دهنده رویکرد سخت‌محور و عملیاتی بغداد بود، در حالی که ابزارهای سیاسی مانند تقویت احزاب و اپوزیسیون نقش بسیار محدودی داشتند. به عبارتی، فشار مستقیم و عملیاتی جایگزین سرمایه‌گذاری بلندمدت سیاسی شده بود، با هدف افزایش اثرگذاری جنگ و ایجاد اختلال در زیرساخت‌های داخلی ایران. در نهایت، تاکتیک تعاملات اقتصادی، ترکیبی از کمک‌های مالی و نظامی و ایجاد و گسترش روابط اقتصادی با بازیگران، دو سطح مکمل را نشان می‌دهد. کمک‌های مالی و نظامی واکنشی و فوری برای تضمین توان جنگی و جبران فرسایش‌های میدانی بود، در حالی که ایجاد شبکه‌های اقتصادی پایدار، ابزاری هدفمندتر برای تضمین جریان منابع، کاهش وابستگی به کمک‌های مقطعی و تثبیت جایگاه عراق در اقتصاد منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم می‌کرد. این تعامل میان دو ابزار بررسی شده، نشان‌دهنده یک معماری منسجم در سیاست خارجی اقتصادی بغداد بود که هدف آن تداوم جنگ و حفظ قدرت فشار در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای را شامل می‌شد.

به طور کل، تحلیل ترکیبی و کمی شش تاکتیک سیاست خارجی و ابزارهای آن نشان می‌دهد که رژیم بعث عراق از یک مجموعه چندلایه و سلسله‌مراتبی پیروی می‌کرد، جایی که هر تاکتیک و ابزار در خدمت اهداف کلان جنگ قرار داشته است؛ مشروعیت‌بخشی و مدیریت محیط بین‌المللی، بسیج منابع و شبکه‌سازی اقتصادی، انتقال فشار به سطح داخلی ایران، و مدیریت روایت جنگ در سطح افکار عمومی و رسانه‌ای. این الگو نشان می‌دهد که بغداد نه تنها از ابزارهای پراکنده، بلکه از یک معماری هماهنگ و هم‌پوشان استفاده کرده بود تا با حداقل هزینه سیاسی و حداکثر اثرگذاری عملیاتی و روانی، توان جنگ خود را حفظ کند و از محیط منطقه‌ای و بین‌المللی بهره‌بداری کند.

فهرست منابع

- ایوانز، گراهام و نونام، جفری (۱۳۸۱). فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی، تهران: نشر میزان.
- آران، امون و آلدن، کریس (۱۳۹۳). رویکردهای جدید در تحلیل سیاست خارجی، ترجمه سید امیر نیاکویی، مهدی زیبایی و رضا درویشی زانوس، تهران: نشر میزان.
- آریان‌پور کاشانی (۱۳۷۲). فرهنگ کامل انگلیسی فارسی (جلد پنجم)، چاپ ششم، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- آریان‌پور کاشانی، منوچهر (۱۳۸۶). فرهنگ دو سویه فراگیر پیشرو آریان‌پور، چاپ دوم، تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۰). دانشنامه سیاسی، چاپ دوم، تهران: مروارید.
- آقابخش، علی و افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۶). فرهنگ علوم سیاسی، چاپ دوم، ویرایش ششم، تهران: نشر چاپار.
- بندرریگی، محمد (۱۳۷۴). المنجد عربی-فارسی، تهران: بازار بین‌الحرمین.
- پارسایار، محمدرضا (۱۳۸۹). فرهنگ معاصر فرانسه-فارسی، چاپ نهم، تهران: فرهنگ معاصر.
- حییم، سلیمان (۱۳۷۵). فرهنگ یک جلدی انگلیسی-فارسی چاپ جدید، چاپ ششم، تهران: فرهنگ معاصر.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۵). کلیات روابط بین‌الملل، تهران: نشر مخاطب.
- روان‌بد، امین و قوام، عبدالعلی (۱۳۹۴). تبیین جنگ عراق علیه ایران: تأملی بر نقش علی مبارزده برای شناسایی، راهبرد، ۲۴(۲)، ۱۸۹-۱۶۹.
- عمید، حسن (۱۳۸۴). فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امر کبیر.
- مارشال، گردون (۱۳۸۸). فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر میزان.
- معین، محمد (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی (یک جلدی کامل) معین، چاپ دوم، تهران: انتشارات ساحل.
- Abbott, Kenneth. W., & Snidal, Duncan. (1998). Why states act through formal international organizations. *Journal of Conflict Resolution*, 42(1), 3-32. <https://doi.org/10.1177/0022002798042001001>
- Alter, Karen. J. (2014). *The new terrain of international law: Courts, politics, rights*. Princeton University Press. <https://press.princeton.edu/books/paperback/9780691164663>
- Barston, Ronald. Peter. (2014). *Modern diplomacy* (4th ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315833477>

- Berridge, Geoff. R. (2015). *Diplomacy: Theory and practice* (5th ed.). Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1057/9781137445520>
- Bjola, Corneliu., & Holmes, Molmes. (2015). *Digital diplomacy: Theory and practice*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315730844>
- Buzan, B., & Wæver, O. (2003). *Regions and powers: The structure of international security*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511491252>
- Carothers, Thomas. (2016). *Democracy support strategies: Leading with Women's political Empowerment*. Carnegie Endowment for International Peace. <https://carnegieendowment.org/research/2016/09/democracy-support-strategies-leading-with-womens-political-empowerment>
- Carpenter, M., & Fanale, R. (2000). *A Bad Person Leading a Costly Conflict: Saddam Hussein and the 1980-1988 Iran-Iraq War*. National War College
- Cull, Nicholas. John. (2009). *Public diplomacy: Lessons from the past*. Figueroa Press. <https://uscpublicdiplomacy.org/publications/public-diplomacy-lessons-past>
- Entman, Robert. M. (2008). Theorizing mediated public diplomacy. *The International Journal of Press/Politics*, 13(2), 87–102. <https://doi.org/10.1177/1940161208314657>
- Freeman jr. Chas W (7 April 2018). *Diplomacy as Tactics*, Middle East Policy Council, https://mepc.org/speeches/diplomacy-tactics/?utm_source=chatgpt.com
- Gilboa, Eytan. (2008). Searching for a theory of public diplomacy. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 616(1), 55–77. <https://doi.org/10.1177/0002716207312142>
- Hudson, Valerie. M., & Day, Benjamin. S. (2019). *Foreign policy analysis: classic and contemporary theory*. Rowman & Littlefield. <https://www.amazon.com/Foreign-Policy-Analysis-Classic-Contemporary/dp/1442277912>
- Jensen, M. K., Klunder, C. M., Melanson, D.R., Nelsen, C. J., Stafford, D. R. W. & Matt, C. U. F. I. (2001). *Saddam Husseins Grand S strategy During The Iran-Iraq War*. National War College.

- Keohane, Robert. O. (2005). *After hegemony: Cooperation and discord in the world political economy*. Princeton University Press. <https://doi.org/10.1515/9780691214824>
- Mearsheimer, John. J. (2003). *The tragedy of great power politics*. W. W. Norton. <https://wnnorton.com/books/9780393333497>
- Montville, Joseph. V. (1991). Track two diplomacy: The arrow and the olive branch. In V. D. Volkan, J. V. Montville, & D. A. Julius (Eds.), *The psychodynamics of international relationships* (pp. 161–175). Lexington Books.
- Naff, Thomas. (1985). *Gulf Security and the Iran-Iraq War*. The National Defense University Press and The Middle East Research Intitute. https://library.ecssr.ae/cgi-bin/koha/opac-detail.pl?biblionumber=79961&shelfbrowse_itemnumber=82659
- Nye, Joseph. S. (2011). *The future of power*. Public affairs. https://media-1.carnegiecouncil.org/import/studio/futureofpower_nye.pdf
- Ravenhill, John. (2017). *Global political economy* (4th ed.). Oxford University Press. https://books.google.com/books/about/Global_Political_Economy.html?id=-_e4DQAAQBAJ
- Rid, Tomas. (2020). *Active measures: The secret history of disinformation and political warfare*. Farrar, Straus and Giroux. [https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=IWltDwAAQBAJ&oi=fnd&pg=PP11&dq=Rid,+T.+\(2020\)#v=onepage&q&f=false](https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=IWltDwAAQBAJ&oi=fnd&pg=PP11&dq=Rid,+T.+(2020)#v=onepage&q&f=false)
- Riddle, Ian. (2021). *Cold War Or War Not, Russias Foreign Policy Tactics Toward The United States And The West Remain Unchanged* (Doctoral dissertation, Johns Hopkins University). <https://jscholarship.library.jhu.edu/items/9883c000-1521-46fe-b024-deff72ec9a96>
- Risse, Tomas., Ropp, Stephen. C., & Sikkink, Kathryn. (2013). *The persistent power of human rights*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9781139237161>
- Schelling, Thomas C. (1966). *Arms and Influence*, Yale University Press, <https://yalebooks.yale.edu/book/9780300246742/arms-and-influence/>

- Shaw, Malcolm. N. (2017). International law (8th ed.). Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781316991749>
- Snyder, Richard. Carlton., Bruck, Henry. W., & Sapin, Burton. (2003). Foreign policy decision making. Palgrave Macmillan US. <https://link.springer.com/book/10.1057/9780230107526>
- Starr, S. Frederick., & Cornell, Svante. E. (2014). Tactics and instruments in Putin's grand strategy. Putin's grand strategy: The Eurasian Union and its discontents, 59-81. <https://www.silkroadstudies.org/resources/pdf/publications/6-1409GrandStrategy-Tactics.pdf>
- Walt, Stephen. M. (1987). The origins of alliances. Cornell University Press. <https://doi.org/10.7591/9780801498411>